



چون بنگرم بر صلیب بینم آن فیض عجیب
بر زخم ها و رنج های تو بر پیروزی مهیبت
بر فیض تو که جاری شد از خون و جسم تو عیسی
شفا دادی از زخم های این روح سرگردانم را

صلیب تو تخت تو شد تا بر آن بنشینی پادشاه
تا آشکار سازی عشقت را بر روی کوه جلجتا
پادشاهان جان می گیرند تا سلطان عالم شوند
شاه ما جان خود بداد تا سلطان قلبم شود

عاشقانه می سرایم چون دانم شاه من تویی
عشقم تویی ، فخرم تویی محبوب و سلطانم تویی
برتر ز هر قدرت تویی اول تویی ، آخر تویی
نور تاریکی های من عیسی مصلوبم تویی

صلیب تو تخت تو شد تا بر آن بنشینی پادشاه
تا آشکار سازی عشقت را بر روی کوه جلجتا
پادشاهان جان می گیرند تا سلطان عالم شوند
شاه ما جان خود بداد تا سلطان قلبم شود

